

قَصْدٌ أَوْ چیست؟

دوستی یا ازدواج

نویسنده: زهرا ستوده

## شناختن کتاب

عنوان: قصد او چیست؟ دوستی یا ازدواج؟

نویسنده: زهرا ستوده

ویراستار: رضا فتحی کوهنجانی

مرداد ۱۳۹۵

سایت: [www.zharik.ir](http://www.zharik.ir)

قیمت: رایگان (غیر قابل فروش)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای سایت [www.zharik.ir](http://www.zharik.ir) محفوظ می باشد و هر گونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد و از نظر شرعی و عرفی حرام و غیر مجاز می باشد.

## فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۳.....	فصل اول: خودشناسی
۶.....	فصل دوم : دوستی یا آشنایی. آیا این دو تفاوتی دارد؟
۶.....	رابطه دوستی
۶.....	دیدگاه های گوناگون درباره روابط با جنس مخالف:
۷.....	آشنایی دختر و پسر
۸.....	ویژگی های رابطه دوستی و آشنایی:
۱۰.....	فصل سوم : از کجا بدام هدف او دوستی است یا ازدواج
۱۰.....	راهکارها
۱۰.....	گام های لازم برای شناخت پسرها:
۱۰.....	گام اول
۱۱.....	گام دوم
۱۲.....	گام سوم
۱۴.....	گام چهارم
۱۷.....	فصل چهارم : ادامه رابطه آری یا خیر؟

**مقدمه**

سلام به همه شما دختران زیبای سرزمینم. شما دختران ایران زمین که قلبی سرشار از عشق دارید. به جرأت می‌تونم بگم هیچ قدرتی در دنیا بالاتر از قدرت عشق شما عزیزان وجود نداره. حتماً بارها و بارها این جمله رو شنیدید که پشت سر هر مرد موفقی یک زن موفق وجود داره؟ بیاین یکم به این جمله بیشتر و عمیق‌تر فکر کنیم.

اون زن موفق چه ویژگی‌هایی داره که وجودش می‌تونه عالم رو متحول کنه. به جرات می‌شه گفت اون ویژگی عشقه عزیزانم. عشقی واقعی که هیچ انتهایی در وجود زن نداره. بیاین زندگی دختران سرزمینمون رو از کودکی باهم مرور کنیم.

وقتی به دنیا او مدیم .... نه... بیاین برگردیم به قبل از اون .از قبلش از زمانی که بابامون فهمید ما داریم می‌ایم .... و||||| ای انگار قشنگ‌ترین حس دنیا رو به بابا داده بودن. از همون موقع بود که تصمیمشو گرفت و عزمشو جزم کرد تا خاطرآسايش ما هر کاري بکنه .حتماً شما هم يادتونه !بابا تون چند دفعه ازتون پرسیده دختر بابا کيده؟ و شما هم با خوشحالی داد زدين ممممممننننن...میدونيد چرا بخاطرmon همه کار می‌کرد؟ چون ما بهش عشق هديه می‌دادیم و اين بزرگ‌ترین هديه‌اي هست که می‌شه به کسي داد. حتماً مردانی رو دیدین که برای به دست آوردن دختری که يار و شريک زندگیشون بشه دست به کارايی می‌زنن که شايد در حالت عادي اون کارا براشون حتی قابل تصور هم نبوده. میدونيد چرا؟ چون در مقابل دارن عشق رو هديه می‌گيرن و اين هديه بالارزش‌ترین هديه دنياست که **فقط و فقط و فقط** يه زن می‌تونه ونو هديه بده.

درباره عشق مادری هم که دیگه نیازی به هیچ توضیحی نیست .همه ما عاشق مامانمون بودیم و هستیم .حتی اگه باشه .حتی اگه از پیشمون رفته باشه .همه ما مفهوم عشق رو از مادر یاد گرفتیم .از مادری که از ابتدایی که يه نطفه کوچک بودیم بهمون عشق ورزید و بخاطرmon سختی کشید تا ما، ما شدیم.

خب حالا اين همه گفتیم و گفتیم و گفتیم تا به کجا برسیم؟

از عشق گفتیم تا دوباره يادمون بیاد که ما کی هستیم و چه قدرتی داریم؟ تا يادمون بیاد که خدای مهربان و عاشق از مهربانی و عشق خودش در وجود ما دمید تا شعله این عشق رو در دنیا بگسترانیم و آیینه تمام نمای عشق الهی در جهان باشیم.

پس بیاین قدر خودمون رو بدونیم و به مردان سرزمینمون هم یاد بدیم که قدر عشقی که بهشون هديه می‌دیم رو بدونن.

شاید به نظرتون این مقدمه عاشقانه با نام کتاب خیلی مرتبط نباشه . حق با شماست. نام کتاب میگه من می خوام به شما کمک کنم تا بتونید از اسیر شدن در روابط بیهوده دوری کنید و فرق بین عشق و هوس رو تشخیص بدید. کاملاً درسته. هدف این کتاب هوشیار کردن شماست؛ اما شما زمانی هوشیار میشید که ابتدا خودتون رو بشناسید و از قدرت خودتون باخبر بشید. زمانی که به قدرتی که دارید آگاهی و تسلط پیدا کردید می تونید به راحتی از خودتون احساستون و عشقتون مراقبت کنید. به همین سادگی.....

خداآند عاشق بی حکمت این عشق رو در وجود شما قرار نداده عزیزانم. این عشق شما ستون‌های محکم زندگی خودتون و دیگرانه و همون قدر که لطیف و زیباست هزار برابر محکم و سازنده هست. حتماً شنیدید که میگن بادآورده رو باد میره؛ و ینکه قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری ... حالا اگر ندانسته بیایم و عشق خودمون رو دست کم بگیریم و اونو به راحتی و خیلی بادآورده به دست کسی بدیم که گوهرشناس نیست فکر می کنید چه اتفاقی میفته؟

بله عزیزانم دقیقاً همینطوره ... اگه عشق شما به دست نااهلش بیفته هم جلا و زیباییش رو از دست می‌ده و هم قدرت سازندگیش رو؛ و اینگونست که می‌بینیم دختران عزیزمن باوجودی که می‌بینن و می‌دونن که طرف مقابلشون گوهرشناس نیست نمی‌تونن خودشون رو رها کنن و با ادامه دادن رابطه‌ای بیهوده هرروز از قدرت عشقی که دارن کاسته می‌شه تا جایی که اونقدر سیاهی میشینه روی این احساس که دیگه معنی عشق یادمون میره و از زمین و زمان متغیر میشیم. ما در این کتاب می‌خوایم سعی کنیم از این اتفاق جلوگیری کنیم.

شرایط ازدواج کردن برای هر دختری متفاوته. عده‌ای هستن که فرهنگ خانوادشون به گونه‌ای هست که بیشتر روابطشون خانوادگی هست درنتیجه در این خانواده‌ها بیشتر ازدواج‌ها خانوادگی و با آشنایی قبلی صورت می‌گیره؛ اما همه این‌گونه نیستند و عده زیادی هستند که به خاطر موقعیت‌های اجتماعی گوناگون مثل دانشگاه، محل کار و .... ممکنه که خودشون با شخصی آشنا و زمینه ازدواج رو فراهم کنند. در این کتاب ما قصد داریم به عزیزانی که خودشون با شخصی آشنا میشن کمک کنیم تا بتونن انتخاب درست‌تری داشته باشند.

این کتاب حاصل تجربیات شخصی من و مشاهده اتفاقات و تجربیاتی است که برای بسیاری از دختران این سرزمین پیش و مده و شما با خواندن این کتاب و انجام دستورالعمل‌های آن میتوانید یک تجربه موفق در امر الهی ازدواج داشته باشید.

یکی از دختران سرزمین شما

زهرا ستوده

۱۳۹۵ بهار

## فصل اول: خودشناسی

چرا می‌خواهیم ازدواج کنیم؟ یا بهتره این جوری بگیم که چرا دوست داریم مورد توجه جنس مخالفمون باشیم؟ این فصل رو با خودشناسی آغاز می‌کنیم. سوال بالا رو با پاسخ به دو سوال زیر بررسی می‌کنیم:

- ۱ - چرا ما به ازدواج و تشکیل خانواده علاقه‌مندیم
- ۲ - کسانی که می‌گن ما قصد ازدواج نداریم راست می‌گن؟

در مقدمه کتاب از عشق گفتیم و اینکه در وجود ما یک عشق الهی قرار داده شده که هم لطیفه و هم سازنده. خب این عشق چه چیزی رو باید بسازه؟

بیاین و صادقانه به سؤالات زیر باهم پاسخ بدیم «تصور کنید کسی رو در کنار خودتون دارید که وقتی ناراحت می‌شین از ناراحتی شما ناراحت می‌شه، وقتی درد دارین ونم احساس درد می‌کنه، وقتی چیزی ازش می‌خوابیں با جون و دل تلاش می‌کنه براتون فراهم کنه، کسی که وقتی می‌خندین اونم می‌خنده و بهتون می‌گه که از هر بار خندیدن شما اون هزار بار شاد می‌شه. کسی که در روابط جنسی سعی می‌کنه جوری باشه که شما ازش راضی باشید. کسی که می‌خواهد براتون مرد باشه و شما در کنارش احساس آرامش کنید».

خب نظرتون چیه؟

به نظرتون کسی هست که بگه چنین وضعیتی رو نمی‌خواد؟ البته بگذریم از کسانی که کلام مقوله ازدواج رو تکذیب می‌کنن که در بخش بعدی اونا رو هم بررسی می‌کنیم. همه رازی که باید بدونید همینه. فقط و فقط همین.

راز اینه که شما در وجودتون یه عشق و گرمای خاصی قرار داده شده که مردها اون عشق و گرما رو از وجود شما احساس می‌کنن و جذب اون می‌شن. درواقع خداوند در شما عشق و در مردها نیاز به عشق رو قرار داده و در مقابل در مردها قدرت براز علاقه و در شما نیاز به ابراز علاقه رو قرار داده. اینجاست که هر کس باید به قدرتی که داره و نیازی که داره آگاه باشه. ینجاست که اگر هر کدام از دو طرف وظیفه خودشون رو به درستی انجام بدن هردو نفر به آرامشی می‌رسن که هیچ‌چیز در دنیا بالاتر از این آرامش وجود نداره.

به نظر من که خداوند رحمان تعادل رو به درستی برقرار کرده. همان‌گونه که در کلام خود می‌فرماید: شما را زوج آفریدیم نا در کنار هم به آرامش برسید.

خب این از سؤال اول که مشخص شد چرا خانم‌ها به ازدواج و اینکه مردی به اونا ابراز علاقه کنه علاقه‌مند و مشتاق هستند.

و اما سؤال دوم:

در پاسخ به سؤال دوم میشه گفت که هر انسانی دارای یک مزاج خاص است که این مزاج شامل خصوصیات فیزیکی و روحیات شخص می‌شے. در قسمت روحیات مزاج می‌توان گفت بخشی از نیازها در مورد همه یکسان هست مانند میل به زدواج کردن. پس در تمام زنان به طور ذاتی این غریزه قرار داده شده. به این مزاج، مزاج اولیه گفته می‌شے؛ اما مزاج انسان می‌نویه به مرور زمان و در اثر مسائل گوناگون دچار تغییرات موقت بشه. نمی‌دونم تا چه حد راجع به ضمیر ناخودآگاه خودتون طلاع دارید (در **کتاب چگونه همسر ایده آل خود را جذب کنیم** در این باره توضیح داده شده است) ولی این رو بدونید که

ضمیر ناخودآگاه شما تابع فکر و عملکرد شما است. بدارید این قسمت رو با مثالی روشن‌تر کنیم:

حتماً کسانی رو دیدید که چندین بار با بدشانسی در مسائل گوناگون مواجه شده‌اند و مثلًاً اطرافیان به اونها گفتند که چقدر آدم بدشانسی هستن. این فکر (بدشانس بودن) کم‌کم به شخص القا می‌شے و باعث میشه که باور کنه که آدم بدشانسی هست. زمانی که این باور در وجود شخص ایجاد شد اون شخص واقعاً تبدیل به یک آدم بدشانس میشه. می‌برسید چرا؟ واضحه. چون ضمیر ناخودآگاه شخص باور کرده که بدشانسه و به سمت بدشانسی پیش می‌ری.

مثال دیگری بزنیم. حتماً شنیدید که میگن پول رو پول میاد نکبت رو نکبت. به نظرتون این ضرب المثل درسته؟ به نظر من که درسته؛ اما چرا درسته؟ دقیقاً به خاطر وجود ضمیر ناخودآگاه در انسان‌ها هست. بینید عزیزانم کسی که با ثروت بزرگ شده ضمیر ناخودآگاهش به این مسئله عادت کرده و در مسیری میره که پول هست و کسی که در فقر بزرگ شده ضمیر ناخودآگاهش در مسیر ثروت نیست که اونو به سمت ثروت ببره؛ و شما دیدید کسانی رو که در فقر بودن اما چون در آرزو و رؤیای ثروت بودن تونستن به اون آرزو برسن و ثروتمند بشن. چرا؟ چون موفق شدن ضمیر ناخودآگاهشون رو به ثروت عادت بدن. حالا اینکه چطوری ضمیر ناخودآگاه‌هون رو به کاری که می‌خوایم عادت بدیم بحثی مفصله که در کتاب **چگونه همسر ایده آل خود را جذب کنیم** دربارش صحبت می‌کنیم.

با این دوتا مثال خواستم به اینجا برسم که بدونید کسانی که عملاً ازدواج کردن رو تکذیب می‌کنند و یا میگن علاقه‌ای به زدواج کردن ندارن عملاً این‌گونه نیستن و با ایجاد این باور در ضمیر ناخودآگاه خودشون مزاج ذاتی خودشون رو دچارتغییرات موقت کردن؛ اما چطوری؟

دودسته از افراد دچار این تغییرات میشن:

- اون دسته از کسانی که میل به ازدواج کردن داشتن اما شکستی در این مسئله داشتن
- کسانی که فکر می‌کنن شاید نتون ازدواج کنن یا خواستگار ندارن و برای جلوگیری از حرفای دیگران میان و این حرفای را به خودشون و دیگران میزنن

این دودسته از دختران به جای تلاش برای اینکه در مسیر ازدواج قرار بگیرن با گفتن جمله‌های زیر به خودشون باعث شدن این جمله‌ها را باور کنن و ضمیر ناخودآگاهشون در این مسیر قرار بگیره.

ازدواج کردن یعنی دردرس

ازدواج کردن یعنی سلب آرامش و آزادی

مرد خوب وجود نداره

مردا همسون سروته یه کرباسن

به هیچ مردی نمیشه اعتماد کرد

من علاقه‌ای ندارم ازدواج کنم

مجردی راحت‌ترم.

جملاتی مانند جملات بالا که با تکرار اونها، کم‌کم در ضمیر ناخودآگاه شخص جای میگیره و باعث میشه فکرش به همین سمت بره و هیچ وقت دیگه نتونه به مقوله ازدواج به راحتی فکر کنه چراکه باور کرده که مردا قابل اعتماد نیستن. در نتیجه به جای اینکه بتونه با استفاده از قدرت جذب خودش مرد ایده الش رو جذب کنه، یک نوع دافعه در وجود خودش ایجاد میکنه و اینگونست که شما دخترانی با شرایط مناسب رو میبینید که نمی‌تونن ازدواج کنن و یا ازدواج موفقی ندارن.

پس اون دسته از دختران عزیزمون که میگن ازدواج کردن خوب نیست درواقع دارن خودشون رو گول میزنن. توصیه من به همه دوستای گلم که به هر دلیل فکر می‌کنن نمی‌تونن ازدواج کنن اینه که به جای اینکه برای آروم کردن خودشون، با تکرار این جملات ذهن خودشون رو خراب کنن، بیان و برای داشتن یک ازدواج خوب تلاش کنن. اگه قصد داشتید برای این کار تلاش کنید میتوانید از کتاب **چگونه همسر ایده آل خود را جذب کنیم** کمک بگیرید. خواهشم از همه شما عزیزانم اینه که از فکر و ضمیر ناخودآگاه خودتون غافل نشید و بسیار مواظبش باشید. چراکه ضمیر ناخودآگاهتون بسیار قدرتمند هست. تأکید می‌کنم دوستای گلم بسیار قدرتمند هست و میتوونه شما رو به سمت بهترین‌ها و یا بدترین‌ها پیش ببره. فقط کافیه که شما بهش بفهمونید که کدوم رو می‌خوايد. پس چرا با افکار منفی بیایم و خودمون رو به سمت بدترین ببریم وقتی که لیاقتمنون بهترینه. خیلی راحت میتوانیم بهترین باشیم و بهترین‌ها رو به دست بیاریم.

## فصل دوم: دوستی یا آشنایی. آیا این دو تفاوتی دارد؟

### رابطه دوستی:

تعريف رابطه دوستی دختر و پسر: به طور عام رابطه دوستی به رابطه‌ای گفته می‌شود که در آن دو جنس مخالف باهم ارتباط متقابل داشته باشند که این ارتباط در نوع ارتباط محدود دوستی، ارتباط عاشقانه و ارتباط جنسی مطرح است. معمولاً روابط بین دختر و پسر از ارتباط محدود دوستی شروع شده و اکثراً به ارتباط عاشقانه رسیده و متأسفانه در بسیاری از موارد به ارتباط جنسی نیز خواهد رسید.

**بنابراین:**

دوستی دختر و پسر یعنی: ارتباطی که بین دو جنس مخالف وجود داره و در این ارتباط، محبت، صمیمیت، عشق و علاقه قلبی ویژه وجود داره و از این‌رو، ارتباط دو کودک یا ارتباط تحصیلی یا ارتباط معلم با شاگرد و مانند آن که برای اهداف خاصی است، نمی‌توانه از مقوله دوستی دختر و پسر باشه.

**دیدگاه‌های گوناگون درباره روابط با جنس مخالف:**

**سه دیدگاه درباره رابطه دختر و پسر وجود داره:**

۱. **دیدگاه افراطی:** در این نگرش، هرگونه ارتباطی با جنس مخالف، آزاد و بدون مانع است (رویکرد لیبرالیستی). فروید و پیروان وی مدعی هستند که اخلاق جنسی کهن، بر اساس محدودیت و ممنوعیت بوده و تمام مشکلات بشر به دلیل ممنوعیت‌ها، محرومیت‌ها، ترس‌ها و وحشت‌های ناشی از این ممنوعیت‌هاست که در ضمیر باطن بشر جایگزین شده. برتراند راسل نیز همین مطلب را اساس قرار داده و در کتاب «جهانی که من می‌شناسم»، می‌گوید: «اگر از انجام عملی [رفتار جنسی] زیانی متوجه دیگران نشود، دلیلی نداریم که ارتکاب آن را محکوم کنیم».

۲. **دیدگاه تفریطی:** بر پایه این رویکرد، هرگونه ارتباط و پیوند با جنس مخالف، مردود و مورد نکوهش است. این دیدگاه، نقطه مقابل دیدگاه افراطی است. راسل در جای دیگر می‌گوید: «پدران کلیسا از ازدواج به زشت‌ترین صورت یاد کرده‌اند. هدف ریاضت این بوده که مردان را متقی سازد؛ بنابراین، می‌گفتند: ازدواج که عمل پستی شمرده می‌شد،

بایستی منهدم شود».

**۳. دیدگاه اعتدالی؛** بر اساس این دیدگاه، نه آزادی مطلق و رها پذیرفته شده است و نه محدودیت و منع هرگونه رابطه؛ بلکه ارتباط بین دو جنس مخالف، در یک چهارچوب مشخص، تعریف شده است. ارتباط مجاز، ارتباطی است حداقلی و به دوراز هرگونه انگیزه شهوتی و عاطفی و رابطه‌ای است که در آن، نفس رابطه مقصود نباشد و نگاه دو جنس به هم نگاه انسانی باشد و نه جنسیتی. دیدگاه اسلام، ناظر به نگرش سوم، یعنی دیدگاه اعتدالی است.

## آشنایی دختر و پسر

همان‌گونه در تعریف رابطه دوستی گفتیم در این‌گونه روابط بین دو نفر محبت صمیمیت و علاقه قلبی وجود دارد. درواقع آشنایی همان دوستی دختر و پسر محسوب می‌شود که در آن برنامه و هدفی برای ازدواج وجود داشته باشد. آشنایی مرحله پیش از خواستگاری است که برخلاف دوستی می‌توانه بسیار ضروری و مفید بوده و برای هر دو شخص در گرفتن تصمیم مناسب کمک شایانی باشد.

### آیا تعریف دختر و پسر از آشنایی یکسان است؟

عدد زیادی از دختران برای همنگی با دوستان و فاصله گرفتن از سنت‌ها، به درخواست‌های دوستی پسران پاسخ مثبت می‌دن و امیدوارن که این دوستی به ازدواج ختم بشود.

تفاوتش که بیشتر در دختران و پسران در اوایل جوانی به چشم می‌خورد در مورد هدف از ایجاد یک ارتباط با جنس مخالفه. دختران معمولاً تصور می‌کنند که برای یافتن همسر مناسب باید در یک رابطه احساسی با پسران وارد بشون؛ و این باور متأسفانه به دلیل رفتار خود دختران در برخورد با پسران ایجاد شده و کم‌کم در جامعه رواج پیدا کرده؛ بنابراین اکثر دختران پیشنهاد آشنایی پسران را به این امید که این رابطه سرانجامی داشته باشد می‌پذیرند. درواقع برای دختران بیشتر مفهوم آشنایی مدنظره تا دوستی؛ اما واقعیت اینه که در اکثر مواقع پسرانی طالب ارتباط درازمدت، پنهانی و احساسی و عاطفی با دختران هستند که شرایط ازدواج رو ندارند و مایلین این خلا را با یک رابطه دوستانه با یک یا چند دختر پر کنند و برای این کار از دادن قول ازدواج ابایی ندارند. بر عکس دختران، در نظر آقاضرها گل در ابتدا که به دخترخانمی پیشنهاد آشنایی می‌دانند رابطه دوستی مد نظره. البته ناگفته نماند که در هردو حالت استثنایی نیز وجود دارد.

در این شرایط، طولانی شدن رابطه، عمق گرفتن آن و نزدیک شدن بسیار زیاد دختر و پسر به هم برای دختران معنای قطعی شدن ازدواج رو داره؛ مثلاً دخترخانمی فکرمی کنه حالا که ۶ سال با یک نفر دوست بوده، امکان نداره بتونه بدون او زندگی کنه و بیشک طرف مقابل هم دختر رو برای ازدواج در نظر داره. این در حالیه که از نگاه پسرها (اگر نگوییم همه، باید بگوییم اکثریت قریب به اتفاق آنها) طولانی شدن یک رابطه دوستی که خانواده‌ها از آن اطلاع ندارن، به معنی گذرا بودن آن رابطه است و به محض فراهم شدن شرایط ازدواجشان، یا به محض آنکه با فردی موجه‌تر و مناسب‌تر از شما روبه‌رو بشن، رابطه دوستی‌شان را خاتمه می‌دن.

### ویژگی‌های رابطه دوستی و آشنایی:

زمانی که پسری که شما رو نمی‌شناسه به‌واسطه یک آشنایی موقت به شما پیشنهاد می‌ده که باهم بیشتر آشنا بشین، چگونه می‌تونید بفهمید که هدف او از این آشنایی دوستیه یا ازدواج؟ درواقع هدف اصلی ما در این کتاب همینه که بتونیم راهکارهایی ارائه بدیم که به‌وسیله اونها بتونید تشخیص بدید که به هر پیشنهادی چه واکنشی نشون بدید.

اکثر دختران وقتی با این پیشنهاد مواجه می‌شون نمی‌تونن خیلی راحت جواب منفی بدن چراکه فکر می‌کنند شاید یه شانس خوب رو برای ازدواج از دست بدن و با توجه به اینکه شناختی از فرد موردنظر ندارن برای گفتن کلمه خیر ترسی در وجودشون هست. به‌واسطه حجب و حیا و یا از ترس اینکه شخص موردنظر فکر بدی بکنه هم نمی‌تونن مستقیماً از فرد سؤال کنن که شما هدفت از این آشنایی چی هست؟ آیا می‌خواهی با من دوست بشی یا قصد دیگری از شناخت من داری؟

بعضی از دختران هم که این رودرواسی رو کنار می‌ذارن و سؤال خودشون رو مطرح می‌کنند شاید با جواب درست و صادقی از طرف مقابل روبرو نشن؛ مثلاً ممکنه در پاسخ به اینکه از پسر بپرسید هدفت از این آشنایی دوستی هست یا خیر ممکنه این پاسخ رو بشنوید که ما باید اول باهم آشنا بشیم بعد راجع به مسائل دیگه صحبت کنیم. درواقع با این پاسخ پسر قصد داره شما رو تشویق کنه که این رابطه را بپذیرید. اون با این پاسخ نه جواب منفی داده و نه جواب مثبت و دست خودش را برای اینکه در آینده بتونه به راحتی این رابطه را به هم بزنه کاملاً باز گذاشته و شما هم چون پاسخ دقیقی نشنیدید بازم از ترس اینکه ممکنه این آقا فرد مناسبی باشه و هنوزم نمی‌دونید قصدش چیه، نتونید به خواستش جواب منفی بددید و اینجاست که بسیاری از دختران عزیزمن برای فهمیدن جواب این سؤال مدت‌های زیادی رو در یک رابطه باقی می‌مونن و دست آخر با دست‌حالی و روحی نازارم و ضربه خورده اون رابطه رو ترک می‌کنن.

**توجه:** ببینید دوستای گلم منظور من از اینکه آقاپسری به شما پیشنهاد آشنایی بده این نیست که شخصی در خیابان بخواهد به شما شماره بده و یا با چشم و ابرو و حرکاتی که مناسب نیست به شما بفهمونه که توجهش را جلب کردید چنین کسانی قطعاً هدفشون دوستی و درنهایت رابطه جنسی هست و اصلاً موضوع صحبت مانیستند. این چنین روابطی را بدون هیچ‌گونه فکر و معطلی پاسخ منفی بددید و اصلاً فکر خودتون را درگیریش نکنید چون

هیچ‌گونه سرانجامی با پسرهایی که چنین طرز فکری دارند وجود نداره. پسری که بشه بهش اطمینان کرد و این فکر رو دربارش کرد که پسر موجهی هست هیچ وقت در خیابان و با دادن یک کاغذ که روش شمارش نوشته شده از دختری درخواست آشنایی نمی‌کنه. پسری که فقط یه نگاه شما را دیده و شمارشو به شما می‌ده نمی‌توانه هدفی برای آیندش داشته باشد. پس ما اصلاً درباره این‌گونه درخواست‌ها صحبت نمی‌کنیم و شدیداً به شما دوستی گلم تأکید می‌کنم که خیلی صریح به این درخواست‌ها پاسخ منفی بدید و فکرتون را درگیر نکنید. منظور ما از پیشنهاد آشنایی، درباره موقعیت‌هایی است که شخص موردنظر به نظر موجه بوده و شرایط ازدواج را به صورت ظاهری داره؛ مثلاً فردی را چندین بار در جاهای مختلف دیدید و صحبتی باهم داشتید. پسری در دانشگاه چندین بار شما را دیده، یا صاحب فروشگاهی که چندین بار به فروشگاه او رفت‌اید. در چنین موقعیت‌هایی که شخصی چندین بار شما را دیده و بعد پیشنهادی را مطرح می‌کند این احتمال که هدف ازدواج در پیشنهاد او وجود داشته باشد محتمل است؛ اما زمانی که کسی شما را یکبار در خیابان دیده و در همان یکبار هم پیشنهاد خود را مطرح کرده و شماره‌اش را به شما می‌دهد قاعده‌تاً چنین شخصی از ظاهر شما خوش‌آمده و هدفی جز ارتباط دوستی و درنهايت رابطه جنسی نخواهد داشت. پس مواطن باشید و دقت کنید که چه پیشنهادهایی را با قاطعیت در همان ابتدا رد کنید و چه پیشنهادهایی را بیشتر بررسی کنید.

## فصل سوم: از کجا بدانم هدف او دوستی است یا ازدواج

### راهکارها

و اما راهکار این مسئله چیست؟

چه کار کنیم که با خیال راحت بتونیم به یک رابطه ادامه بدیم و یا اینکه با قاطعیت اون رو تمام کنیم و از ابتدا خودمون رو درگیر رابطه‌ای که می‌دونیم نتیجه‌ای جزو عذاب و آسیب‌دیدگی روح لطیفمون نداره نکنیم؟(یادآوری می‌کنم عزیزانم، گام‌هایی که اشاره می‌کنم برای دختران عزیزی که هم قصد ازدواج وهم شرایطش رو دارن بسیار ضروریه و روی صحبت ما در این کتاب با این عزیزان است که بتونن در مسیر یک ازدواج موفق گام بردارن)

### گام‌های لازم برای شناخت پسرها:

#### گام اول

اولین اقدام برای ایجاد شناخت هرکسی صحبت کردن با اون شخص هست. وقتی شخصی پیشنهاد آشنایی به شما می‌ده باید مدتی رو با او صحبت کنید تا بتونید با خصوصیات کلی او آشنا بشید؛ اما این صحبت کردن آداب و روشی داره که بسیار مهمه دوستای گلم و اگه رعایت نکنید نمی‌تونید به هدفی که دارید که همون شناخته بررسید.  
و اما روش صحبت کردن اولیه با آقای پسری که به شما پیشنهاد آشنایی داده:

در قدم اول خیلی موقر با چهره‌ای کاملاً آرام و بدون هیچ‌گونه واکنش مثبت و یا منفی می‌تونید به او بگید که درباره پیشنهادش فکر می‌کنید و به او اطلاع می‌دهید. فقط و فقط همین و هیچ‌گونه سؤال یا حرف دیگه ای رو پیش نکشید. اصلاً سعی نکنید که همین اول کار از او سؤالی بپرسید. چهرتون کاملاً آرام باشه بهطوری که اون نتونه تشخیص بده

که نظر شما نسبت به این پیشنهاد مثبت بوده یا منفی. این واکنش دوستای گلم شخص رو کنجکاوتر می‌کند که نظر شما رو بدونه و درواقع اون خیلی بیشتر مشتاق و منتظر جواب شما هست.

## گام دوم

با خودتون صادقانه فکر کنید و آنچه از این شخص میدونید رو بررسی کنید. درسته که هنوز شناختی از اون شخص ندارید اما این سؤال رو از خودتون بپرسید اگر این شخص اخلاقش همونی باشه که می‌خوايد و به شما پیشنهاد ازدواج بده آیا این ظاهر شخص رو می‌پسندید و به او جواب مثبت می‌دید یا خیر؟ درواقع منظورم اینه که اون اطلاعاتی که ندارید رو کنار بزارید و فرض کنید که طرف نظر از چیزهایی که نمی‌دونید آیا همین چیزایی که ازش می‌دونید رو می‌پسندید؟ مثلاً قیافه شخص رو پسندیدید یا نه؟ به این فکر کنید که این شخص رو با این قیافه می‌تونید به عنوان همسرتون بپذیرید؟ میتوانید به دیگران معرفیش کنید و بالفتخار بگید این شخص همسر منه؟ در مورد شغلش و همه چیزای دیگه ای که میدونید همین‌طوری فکر کنید و با خودتون به نتیجه برسید. ممکنه شغلش یا رشته تحصیلیش برای شما قابل قبول نباشه. در این صورت دوستای گلم بازم دو راه وجود دارد:

**اول: اگر هر کدام از آیتم‌هایی که دارید بررسی می‌کنید برآتون غیرقابل تحمل بود اصلاً به اون شخص زنگ نزنید و کلاً از ذهنتون پاکش کنید.** چرا؟ دوستای گلم اینو همیشه به خاطر داشته باشید که هیچ وقت نمی‌توانید نه روحیات خودتون و نه طرف مقابلتون رو عوض کنید. پس چیزی که برای شما غیرقابل تحمله جای هیچ بحثی نداره. باید کنارش بزارید چون اگه الان به هر دلیلی بگید حالا درست میشه، عوض میشه، میتونم تحمل کنم درواقع دارید خودتون رو گول می‌زنید و یک عمر عذاب رو برای خودتون می‌خرید. پس از همین ابتدا اصلاً جلو نرید که بعداً توی دردرس بیفتید و بین عقل و احساستون گیر کنید. من دختران زیادی رو دیدم که اولش به این چیزا توجه نمی‌کنن و میرن جلو. خب به طبع هر کس یه چیزای خوب و یه چیزای بد داره وقتی در رابطه جلو میرن فقط و فقط چیزای خوبشو می‌بینن و چشمشون رو به روی چیزایی که نمیتوون تحمل کنن می‌بیندن به امید اینکه این عشق و علاقه باعث میشه اون مشکل کمنگ بشه. درحالی که کاملاً برعکسه و به مرور این عشق و علاقه است که به خاطر چیزایی که برآتون غیرقابل تحمل بوده و بهش توجه نکردید کمنگ و کمنگ‌تر میشه. پس خوب دقت کنید. اول خودتون رو بشناسید بدونید از چی بدتون نمیاد، نسبت به چه چیزایی بی‌تفاوت هستید (درواقع زیاد خوشتون نمیاد ولی اذیتون هم نمی‌کند) و از چه چیزهایی عمیقاً خوشتون نمیاد. (درباره خودشناسی و شناخت عالیق در کتاب چگونه همسر ایده آل خود را جذب کنید توضیحات کاملی ارائه شده است)

**دوم: اگه موردي بود که زیاد خوشتون نمیاد اما بدتون هم نمیاد میتوانید بیشتر بررسیش کنید و ببینید حستون بیشتر منفی هست یا مثبت. به طور مثال پسر یکه به شما پیشنهاد داده سوپرمارکت داره و شما چندین بار به فروشگاهش رفتید. ممکنه دوست داشته باشید همسرتون شغل دیگه ای داشته باشه یا مثلاً کارمند یا یه شغل با پرستیز تری داشته باشه. خب باید با خودتون روراست باشید و ببینید این مسئله چقدر برای شما اهمیت داره ممکنه دخترخانمی با خودش این‌طور فکر کنه که خب اگر شغلش پردرآمد باشه که بتونه نیازهای زندگی رو تأمین کنه و**

همچنین خود فرد هم آدم موجهی باشه اشکالی نداره که سوپرمارکت داشته باشه درواقع این دخترخانم وضعیت مالی و اخلاق شخص براش اهمیت بیشتری نسبت به پرستیژ شغلی داشته. ممکن هم هست دخترخانم دیگری اولین اولویتش برای ازدواج این باشه که حتماً همسرش شغل باپرستیژی داشته باشه.

پس اگر نسبت به یکی از خصوصیاتی که از شخص موردنظر میدونید نظر مساعدی نداشتید به اولویت‌بندی خودتون مراجعه کنید و ببیند اون خصوصیت در درجه چندم اهمیت برای شما هست اگر اولویت اول یا دوم نیست میتوانید بقیه خصوصیات رو بررسی کنید و به گام بعدی بروید.  
لطفاً دوستانی که در همین مرحله متوجه میشن شخص موردنظر اولویت اول یا دومشون رو نداره همین جا از ادامه راه با این شخص منصرف بشن و مطمئن باشن که نباید ادامه بدن.

## گام سوم

دوستان عزیزی که با توجه به اطلاعاتی که از شخص موردنظر دارن فکر می‌کنن شاید گزینه مناسبی براشون باشه، در این گام باید به فرد موردنظر اطلاع بدن که قصد دارن بیشتر با این شخص آشنا بشن. این گام هم دوستای گلم روش‌های خاص خودش رو داره که بسیار مهمه که به‌قاعده انجام بشه.

اول: به فرد موردنظر بگید نیاز هست یک جلسه باهم صحبت کنید تا بتونید باهم بیشتر آشنا بشید تأکید می‌کنم در این مرحله باید شخص متوجه بشه که شما هنوز تصمیم نگرفتید که ارتباطی باهاش برقرار کنید بلکه تنها می‌خوايد یک جلسه باهم صحبت کنید تا اطلاعات بیشتری از هم داشته باشید؛ و نباید لحن صحبت شما جوری باشه که فکر کنه شما تصمیم گرفتید ارتباطی باهم داشته باشید. با این کار دست خودتون رو برای مراحل بعدی باز می‌ذارید که اگر در جلسه اول به نتیجه منفی در مورد شخص رسیدید راحت‌تر بتونید از رابطه کنار بکشید.

دوم: در مورد مکان ملاقاتتون از قبل فکر کنید و یک مکان مناسب رو در نظر بگیرید و برای ملاقات پیشنهاد بدید. البته میتوانید ابتدا پیشنهاد شخص مقابل رو بشنوید. این کار میتونه شما رو بیشتر با اون آشنا کنه. اینکه شخص چه مکانی رو برای ملاقات با شما انتخاب می‌کند میتونه نشانی از طرز فکر و یا علائق اون شخص باشه؛ اما درنهایت شما مکان خودتون رو پیشنهاد کنید و در همان مکان اونو ملاقات کنید. سعی کنید در مکان‌های بسته‌تر ملاقات کنید. این شخص باید بداند که شما برای ابرو و عزت خودتان احترام قائل هستید و تا زمانی که کسی را خوب نشناشید هرجایی با او ملاقات نخواهید کرد. بهطور مثال قدم زن یا پیاده‌روی در پارک ایده زیاد جالی نیست زیرا اگر شخص آشنا‌یی شما را ببیند اولین فکری که خواهد کرد ارتباط شما با شخص موردنظر است و اگر بعدازاین ملاقات نخواستید با این شخص رابطه خود را ادامه دهید ممکن است با توجه به شرایط جامعه ما مشکلاتی برایتان پیش آید

درنتیجه بهتر است در یک مکان رسمی و با یک تیپ کاملاً رسمی به ملاقات ایشان بروید. زمانی که کاملاً رسمی هستید اگر شخصی هم شما را ببیند خیلی بهتر می‌توانید اوضاع را کنترل کنید و این قرار را یک قرار کاری و چیزی مشابه قلمداد نمایید. ضمن اینکه شخص موردنظر هم متوجه میشه که شما دختر عاقلی هستید و به ابرو و اعتبار

خودتون اهمیت می‌دید و برای خودتون ارزش قائل هستید درنتیجه اگر فکر ازدواج داشته باشد در مورد شما دید مثبت‌تری پیدا می‌کند و اگر هم قصد دوستی و اتلاف وقت را داشته باشد حساب کار خود را می‌کند چراکه متوجه می‌شود شما از جمله دخترهایی نیستید که هرجایی با او بروید و به هر کاری تن دهید. با این روش اگر پسر به دنبال دوستی باشد، احتمال دارد از این قرار ملاقات خودداری کند چراکه می‌داند شما بدرد او نمی‌خورید. البته ممکن هم هست که به این ملاقات بیاید به امید اینکه در این ملاقات دل شما را بدست آورده و ادامه این دوستی رقم بخوره؛ و اگر هم که واقعاً قصدی برای آینده داشته باشه حتماً با شرایط شما موافقت می‌کنه و اون رو تائید می‌کنه.

دوستای گلم به جرئت بهتون می‌گم که به هیچ کدوم از این مراحل شک نکنید و اگه واقعاً می‌خوايد که در مسیر ازدواج قرار بگیرید و دچار روابط بیهوده و زودگذر نشید حتماً گام به گام پیش برد اصلاً تردید نکنید که ممکنه شخص از دستتون بپره. مطمئن باشید پسری که نظرش نسبت به شما مثبت باشه وقصد ازدواج هم داشته باشه به این راحتی‌ها از دستتون نمی‌ده و میدون رو خالی نمی‌کنه. پسر یکه با آگاهی پیش اومده باشه نه تنها با این روش‌ها از دست نمی‌رمه بلکه مصمم‌تر هم می‌شه. پس اگر با این روش پیش رفتید و اون شخص سر قرارش با شما حاضر نشد قطعاً برنده شما بودید چون از یک رابطه دردرساز خودتون رو رها کردید و این لطف خداوند رحمان به شماست که تونستید از گنجینه عشق خودتون مراقبت کنید.

سوم: بعد از آنکه قرار ملاقات رو گذاشتید باید به سراغ خودتون ببایین و یه لیست مناسب از چیزایی که می‌خواید راجبه این شخص بدونید تهیه کنید:

این لیست می‌توانه شامل موارد زیر باشه:

- ۱ شغل
- ۲ تحصیلات
- ۳ وضعیت مالی
- ۴ وضعیت خانوادگی (تعداد اعضای خانواده شغل پدر و مادر محل زندگی و ...)

اطلاعات فوق می‌توانه به شما کمک کنه که بفهمید اصلاً این شخص آمادگی ازدواج کردن رو داره یا خیر. چون شخصی که شغل مناسبی نداره قطعاً در حال حاضر نمی‌توانه برنامه‌ای برای ازدواج داشته باشه. درباره سایر موارد این خودتون هستید که باید لیستتون رو تکمیل کنید. باید بدونید از چه چیزهایی خوشنود می‌اد و چه چیزهایی برآتون اولویت داره؛ مثلاً می‌توانید با این پرسش که از چه نوع دختری خوشش می‌اد و یا اینکه چه چیزی در شما توجه اونو به خودش جلب کرده تا حدودی با روحیاتش و اولویت هاش آشنا بشید. سعی کنید چیزهایی که برآتون مهمه رو به طور غیرمستقیم و با طرح سؤالات غیرمستقیم متوجه بشید. سعی کنید سؤالاتی که ازتون می‌پرسه رو پیش‌بینی کنید و بهترین جواب‌ها رو براش در نظر بگیرید. جواب‌هایی که واقعاً عقیده و احساسات شما رو به درستی بیان کنه.

نکته مهم: حتماً باید سعی کنید سوالاتون روغیر مستقیم بپرسید. دقیقاً اینگونه تصور کنید که می‌خواید روحیات یک شخص رو بشناسیم. به نظرتون چطور باید این کارو بکنید؟ یکی از روشها اینه که یه شرایط مشابه رو براش تعریف کنید و نظرشو دراین باره بپرسید؛ مثلاً وقتی می‌خوايد بدونید چقدر اهل مطالعه هست می‌توانید یه قسمت کوچیک از

یه کتاب رو براش تعریف کنید و نظرشو بپرسید و یا در مقابل ازش بخواین اگه وانم از کتاب خاصی خوشش میاد برآتون تعریف کنه. این طوری خیلی غیر مستقیم درباره اینکه اون اهل مطالعه هست یا نه اطلاعات بدست میارید. دومین نکته خیلی خیلی مهم:

ببینید دوستای گلم در کشور ما فرهنگ خاصی بین خانواده‌ها وجود داره که همه ما ازش اطلاع داریم. در فرهنگ ما ارتباط بین دختر و پسر مفهوم زیاد جالبی نداره. درواقع اگر شما در خیابان در کنار پسری دیده بشید قطعاً فکر دیگه ای درباره شما خواهد شد. درنتیجه باید مواطن باشید و بالحتیاط عمل کنید که هم بتونید شخص موردنظر رو بهتر بشناسید و هم از ابروی خودتون در اجتماع حفاظت کنید. پیشنهاد من به شما در مرحله اول اینه که اعضای خانواده در جریان پیشنهادی که به شما شده قرار بگیرند. در بسیاری از خانواده‌ها مادران با دختراشون روابط خوبی دارن و درواقع به نوعی مادران سنگ صبور دختراشون هستن. این رابطه واقعاً عالیه و اگر کسی از شما دوستان گلم هست که چنین رابطه عالی و خوبی با مادرش داره واقعاً بهش تبریک میگم. ولی خب همیشه این جوری نیست و یه عده از دخترای گلمون با مادرشون یه مقداری رودرواسی دارن بهخصوص در مورد این مسائل. در چنین موقعی هم بههحال اگر خواهر یا کس دیگری در خانواده هست که میتوانید باهاش راحت صحبت کنید و ازش مشورت بگیرید حتماً در جریان این پیشنهاد قرارش بدید. دوستای گلم این کار بهتون کمک می‌کنه که در جاهایی که به مشکل برمی‌خورید بتونید از نظر یک نفر دیگه که مورد اعتمادتون هست استفاده کنید و احتمال اشتباهتون کمتر میشه.

## گام چهارم

خب رسیدیم به روز ملاقات. روزی که خیلی باید دقیق باشید. همونجوری که در مرحله قبل هم اشاره کردم سعی کنید با یه تیپ رسمی و شیک برد سر قرار. درواقع سعی کنید اون چیزی باشید که نشان‌دهنده شخصیت واقعی شماست. اگه از شیک‌پوشی خوشتون میاد که قطعاً خوشتون میاد. سعی کنید در شیک‌ترین حالت و در عین حال رسمی به این قرار برد. همه مردها از خانم‌های شیک‌پوش خوشنود میاد. درواقع شما با لباس پوشیدن‌تون به شخص مقابل میگید که برای این قرار اهمیت قائل بودید و برآتون مهمه. اینکه میگم رسمی ممکنه یکم برای شما ابهام ایجاد کنه که منظور من از تیپ رسمی چه تیپی هست؟ دوستای گلم این مورد هم به تعریف شما از تیپ رسمی برمی‌گردد. منظور من از تیپ رسمی تیپ و پوششی هست که شما برای ملاقاتی که برآتون مهمه دارید. ممکنه شما با دوستای خودتون برای صرف نهار بیرون برد. ممکن هم هست روزی با عده‌ای از همکاران یا همکلاسی‌های دانشگاه خودتون که باهاشون رودرواسی بیشتری دارید بیرون برد. قاعده‌تاً نحوه پوشش شما در این دو حالت متفاوت خواهد بود و روزی که با اشخاص رسمی‌تری بیرون رفتید که باهاشون رودرواسی داشتید در حالت رسمی‌تری بودید تا روزی که با دوستان‌تون بیرون رفته بودید. منظور من از تیپ رسمی دقیقاً همینه و این برمی‌گردد به تعریف شما از رسمی بودن. حالا ممکنه عده‌ای از شما رسمی بودن‌تون مانتو و مقنעה رسمی باشه، ممکنه عده‌ای تیپ مجلسی و عده‌ای تیپ اسپرت رو برای چنین ملاقاتی رسمی تلقی کنید. پس به تعریف خودتون از رسمی بودن رجوع کنید و به

بهترین و رسمی‌ترین حالت خودتون به این ملاقات برييد. از نحوه پوشش شخص مقابل هم می تونيد همين برداشت رو داشته باشيد. آقایون در چنین ملاقاتی به چند روش لباس می پوشن: دسته‌ای که مانند شما کاملاً رسمی در ملاقات حاضر می‌شن دسته‌ای دوست دارن صمیمیت بیشتری ایجاد کنن و ترجیح میدن يه تیپ اسپرت داشته باشن اما تیپشون موجه و آراسته باشه.

دسته سوم هم سعی می‌کنند اون چیزی که در حال حاضر مد هست رو کاملاً اجرا کنن و با آخرین مد برسن خدمت شما.

و شما با توجه به نحوه پوشش شخص می تونيد به سبک و شخصیت اون پی ببرید. پسری که در این جلسه با شلوار جین و تی‌شرت حاضر می‌شه یعنی که در بیشتر اوقات این حالت رو داره و از این تیپ بیشتر خوش شنید؛ یعنی در آینده اگر این شخص همسر شما باشه ممکنه در اکثر مراسم‌ها و بیرون رفتن‌ها با شما و دیگران تیپ اسپرت بپوشه. اینجاست که شما باید به خودتون رجوع کنید و ببینید این تیپ مورد علاقه شما هست و با سبک و علاقه شما سنتیت داره یا نه. اگر نداره می تونيد از شخص غیر مستقیم سؤال کنید؛ که معمولاً در مهمانی‌های خانوادگی چه تیپی هست و آیا اکثر اوقات تیپ اسپرت داره یا خیر؟ (اینکه می‌گم سوال کنید به این دلیل هست که شاید به دلایلی در این جلسه چنین تیپی داشته و بهتره که زود قضاوت نکنیم) دوستای گلم با همین نکات به ظاهر ساده می‌توانید به بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی فرد موردنظر پی ببرید.

#### نکته مهم:

در این ملاقات به سؤالاتی که شخص از شما می پرسه بسیار دقیق کنید. چراکه در بسیاری از موارد سؤالات شخص از شما نشان‌دهنده قصد و هدف او از این رابطه است و خیلی چیزا رو می تونید از سؤالاتی که از شما می پرسه متوجه بشید. کسی که در این جلسه از خانواده، خصوصیات اخلاقی شما، از هدف‌های شغلی و کاری شما برای آیندتون می پرسه مشخصه که قصد داره شما رو بشناسه و بررسی کنه که آیا برای زندگی آیندش می‌توانید مناسب باشید یا خیر؟ اما کسی که در این جلسه سعی می‌کند با شما صمیمیت زیادی ایجاد کنه و اصلاً برash مهم نیست که شما رو واقعاً بشناسه باید نسبت به هدفش شدیداً تردید کنید و بدونید که این شخص قصد داره دل شما رو برای ادامه این رابطه بدست بیاره و به احتمال بسیار زیادی هدف این شخص از این رابطه در حد دوستی هست و نه بیشتر. در واقع کسی که قصد دوستی داره سعی می‌کنه سریع صمیمی بشه و با تعریف و تمجید از شما دلتون رو بدست بیاره. این جور پسرا زیاد در بیاره خانواده خصوصیات اخلاقی شما سوال نمی پرسن.

در این جلسه سعی کنید از لحاظ بیان و صحبت کردن نه زیاد رسمی باشید که صحبت کردن زیاد سخت بشه و نه زیاد راحت و صمیمی. سعی کنید حد متعادلی رو در نحوه بیان‌تون حفظ کنید و حتی اگر شخص مقابل سعی در ایجاد جو صمیمی‌تر کرد شما به همان روش خودتون ادامه بدید.

و اما روش گفتگو در این جلسه:

روش گفتگو در این چنین جلساتی بیشتر میتوانه به دو روش خود افشاری و یا سوالی باشد. در روش خود افشاری شخص (معمولًاً پسر) صحبت رو شروع میکند و به معرفی خودش میپردازد و سپس نفر دوم خودش رو معرفی کند. تو این روش میتوانید در ابتدای صحبت از شخص بخواید که خودش رو برای شما معرفی کند. از نحوه معرفی کردن و صحبتاش میتوانید تا حدودی به صورت کلی او نو بشناسید. اینکه در وهله اول چطوری خودش رو معرفی میکند بیانگر چیزهایی هست که برایش مهمه؛ مثلاً وقتی کسی در معرفی خودش ابتدا تحصیلاتش رو بیان میکند و روی این موضوع تأکید میکند خب مشخصه که اهل تحصیله و این موضوع برایش یه افتخار هست و مهمه. یا اگر کسی در وهله اول در معرفی خودش اول شرایط مالیش رو بیان میکند مشخصه که این بخش از سایر بخش های زندگی برایش مهمتر بوده و بیشتر بهش تأکید داره (البته همیشه این گونه نیست و استثناهایی هم وجود دارد) ولی به صورت کلی میشه یه برداشت کلی از شخصیت فرد به این صورت به دست آورد). این مورد درباره شما هم صدق میکند و شما هم در زمان معرفی خودتون به نکاتی ابتدای اشاره میکنید که برآتون مهمتر بوده و در زندگی به اونها افتخار میکنید؛ مثلاً وقتی با تلاش زیاد الان دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکتری هستید در ابتدای معرفی به احتمال زیاد اول به این موضوع اشاره میکنید چون برایش زحمت کشیدید و بهش افتخار میکنید و برآتون مهمه (میتوانید یه ترفند کوچک به کار ببرید در این قسمت و اونم اینه که خودتون رو مختصرتر معرفی کنید و صبر کنید و ببیند بعد از معرفی شما چه قسمت هایی برای شخص مبهم میمونه و از شما سوال میکنده. اگر شخص هدف دوستی داشته باشد احتمالاً سؤال زیادی از شما نمیپرسه و بیشتر سعی میکند با صحبت های متفرقه صمیمیت ایجاد کند و ارتباط راحت تری رو ایجاد کند؛ مثلاً وقتی شما میگید که مهندسی کامپیوتر خوندید. ممکنه شخص به همین اطلاعات بسنده کند و اگر برایش مهم باشد ممکنه از شما بپرسه که در چه مقطعی این رشته رو خوندید)

سعی کنید تمام اطلاعاتی که در مرحله قبل در لیستتون داشتید رو در این جلسه بدست بیارید و تا حدودی با توجه به نکاتی که گفتیم از قصد شخص مقابل مطلع بشید و به شخص این پیام رو با رفتارتون برسونید که برآتون مهمه که اونو بشناسید و به این راحتی ها رابطه صمیمی رو با او ایجاد نمیکنید.

در پایان جلسه معمولًاً آقاضرها منتظرن که قرار ملاقات بعدي رو با اونها تنظیم کنید. مطلقاً این کار رو نکنید و بهش بگید که نیاز دارید فکر کنید و برای جلسه بعدی اگر مایل بودید باهش هماهنگ میکنید. اصلاً هیچ پاسخ مثبت یا منفی در رابطه با ادامه این ارتباط ندید.

## فصل چهارم: ادامه رابطه آری یا خیر؟

خب دوستان الان وقتشه که یباردیگه لیستتون رو چک کنید و پاسخهایی که از شخص شنیدید رو بررسی کنید.

در این مرحله دو تا اتفاق ممکنه بیفته:

اول اطلاعاتی درباره شخص موردنظر بدست میارید:

- ۱- این شخص با شما از زمین تا آسمون فرق می‌کنه
- ۲- این شخص ممکنه به نظرتون خوب او مده باشه اما ظاهراً شرایط ازدواج رو نداره
- ۳- این شخص رو پسندید و شرایط ازدواج رو هم داره

دوم اطلاعاتی درباره قصدش از آشنایی بدست میارید:

- ۱- کاملاً مشخصه که قصدش دوستی هست
- ۲- کاملاً مشخصه که از این آشنایی هدف شناخت برای ازدواج رو داره
- ۳- نتونستید به طور کامل متوجه بشید که هدف شخص چی هست

در دو حالت زیر رابطه رو به طور کامل فراموش کنید و اصلاً فکرتون رو درگیرش نکنید:

- ۱- این فرد با شما از زمین تا آسمون فرق می‌کند
- ۲- کاملاً مشخصه که قصدش دوستی هست

اصلاً شک نکنید و این جلسه رو فراموش کنید. ببینید دوستای گلم لطفاً در چنین شرایطی اشتباهاتی که بعضی از دختران انجام میدن رو شما انجام ندید. بعضی از این اشتباهات رو براتون میگم:

- ۱- اسیر زرق و برق‌های ظاهری شدن و احساسی برخورد کردن: شما میدونید که این شخص با شما و خانوادتون فرق داره اما ممکنه بالاخره یه جذابیت‌هایی دیده باشید که شما رو به خودش جذب کرده باشه. لطفاً احساسی نشید. این مرحله اصلاً موقع احساسی برخورد کردن نیست.

بذراید مثالی رو برآتون بزنم؛ شخصی رو تصور کنید که بسیار خونگرم متعهد علاقه‌مند به خانواده اهل دانش و بسیار مهربان است. در مقابل فرد دیگری را تصور کنید که دیکتاتور بوده، منتقد و سرزنش گر است نمی‌تواند روابط صمیمانه‌ای برقرار کند. شما کدام شخص را می‌پسندید؟

خب مسلماً شما شخص اول را ترجیح می‌دهید. حالا فرض کنید که شخص اول یه شخص دیپلمه و کارگری ساده باشه و شخص دوم یک میلیونر کارخانه‌دار. حالا شما کدامیک را می‌پسندید؟

ممکنه جواب شما فرد اول فرد دوم و شاید هم هیچ‌کدام باشد. من در این مثال می‌خواستم منظور خودم رو از اینکه احساسی برخورد نکنید بیان کنم. اینکه شخص مقابل با ماشین بسیار شیکی اوMD به ملاقات شما البته که مهمه اما اگر میدونید که از نظر شخصیتی با شما سنتیت نداره خب نداره دوست گلم و اینجا و در این حالت دیگه اصلاً مهم نیست که ماشینش چی بود مهم اینه که نمی‌تونی با این شخص ادامه بدی چراکه در آینده اولین چیزی که برات مهم میشه و اگه باهات سنتیت نداشته باشه دچار مشکلات بسیار زیادی میشه همین اخلاق و فرهنگ شخص هست که باید به شما نزدیک باشه.

## ۲- وقتی شخص قصد دوستی داره شما نمی‌تونید قصد اونو عوض کنید.

بسیاری از دختران با این تصور غلط به یک رابطه وارد میشن که شخص در این رابطه به اونها علاقه‌مند میشه و قصد ازدواج رو پیدا می‌کنه. درواقع فکر می‌کنن با ایجاد رابطه ممکنه علاقه و یا حتی تعهدی برای شخص ایجاد بشه که قصد ازدواج پیدا کنه درحالی که احتمال چنین موردي بسیار کمه و معمولاً پسرانی که در ابتدای یک رابطه حرفي از ازدواج نمی‌زند و قصدشون دوستی هست معمولاً با همین قصد ادامه میدن و متعهد به ازدواج نخواهند شد. پس لطفاً با این امید اشتباه، خودتون رو اسیر روابط بیهوده که برای آینده شما نه تنها مفید نیست که بسیار مضر هم هست نکنید. پسر هرچقدر هم که خوب باشه وقتی قصدی برای ازدواج نداره شما هیچ جایی برای مانور دادن ندارید و همیشه برای اینکه حفظش کنید باید به خواسته هاش تن بدید چون اون نگران از دست دادن شما نیست چون میدونه یه روز این اتفاق میفته ولی شما نگران از دست دادنش هستید چون قصد دارید که نظر اونو نسبت به ازدواج تغییر بدید پس همیشه مجبورید که برای حفظش تلاش کنید و به خواسته هاش تن بدید.

حالت سوم: وقتی پسری به نظر شما خوبه اما هنوز شرایط ازدواج کردن رو نداره:

منظور از اینکه شرایط ازدواج رو نداره بیشتر به مسائل ظاهری هست مثلاً هنوز سربازه یا در حال تحصیله و مواردی مشابه. درواقع هنوز ثبات مالی نداره که بتونه زندگی رو اداره کنه. ببینید دوستای گلم اگه قرار باشه پسری هم سربازی رفته باشه هم کار مشخصی داشته باشه هم ماشین، خونه و پول کافی برای ازدواج داشته باشه باید با توجه به شرایط جامعه ما باید سنی بین ۳۰ تا ۳۵ سال رو داشته باشه. مگر اینکه شرایط مالی خانواده جوری بوده باشه که این امکانات برash فراهم شده باشه. پس نمیشه که توقع داشته باشی که ابتدا تمام موارد فراهم باشه. وقتی پسری به نظرتون خوب بود ولی شرایط ازدواج رو هنوز نداره بازم باید به لیست و اولویت‌های خودتون مراجعه کنید و ببینید شرایط مالی در کدام درجه از اهمیت برای شما قرار داره. قطعاً برای همه شرایط مالی فرد مهمه اما برای یک نفر

اولویت اول و برای دیگری اولویت سوم یا چهار ممکنه باشه. اگر شرایط مالی در اولویت سوم به بعد برای شما بود و اون شخص اولویت اول یا دوم شما رو داشت مثلاً اخلاقش تا حدودی مورد تائید شما بود، میتوانید طی جلسات دوم و سوم با این شخص بیشتر آشنا بشید. میتوانید طی چند جلسه این شخص رو بیشتر بشناسید و بیشتر مطمئن بشید که واقعاً ازنظر سایر موارد با شما همخوانی داره یا نه؛ و همچنین از شرایط و اوضاع مالی خانواده شخص مطلع بشید. چون کسانی هستند که شاید خودشون فعلاً شرایط رو نداشته باشند اما ممکنه خانواده بتونه حمایتش کنه و شرایط رو براش ایجاد کنه. (ببینید دوستای گلم اینکه تعداد جلساتی که برای شناخت شخص میدارید چند جلسه باشه بستگی به شرایط و نظر خودتون هست. سه یا چهار جلسه معمولاً برای شناخت اولیه پیشنهاد میشه ولی بسته به شرایط ملاقات و صحبت هایی که در این جلسات میکنید میتونه کمتر یا مقداری بیشتر بشه؛ اما لطفاً دقت کنید که به بهانه شناخت تعداد این جلسات رو خیلی زیاد نکنید که درگیر احساسات بشید و نتونید درست در این باره تصمیم بگیرید. خیلی مهمه که اول عقل شما تاییدیه این رابطه رو بپتون بده و بعد احساستون تایید کنه - دوستای گلم حتماً سعی کنید در این جلسات شرایطی رو فراهم کنید که شخص مقابل هم تونسته باشه به خوبی شما رو بشناسه، راجع به عقاید، احساسات و خواسته هاتون خیلی راحت صحبت کنید و به شخص این اجازه رو بدمید که اون هم بعد از این جلسات تونسته باشه درک خوبی از شما و اخلاقتون پیدا کرده باشه)

در گام بعدی اگر به این نتیجه رسیدید که شخص برای شما مناسب هست باید بعداز این چند جلسه بهش بگید که درباره این رابطه با مادر یا خواهرتون صحبت کردید و ببینید عکس العمل شخص نسبت به این مسئله چی هست. اگر دیدید او نسبت به این مسئله گارد گرفت و کار شما را اشتباه قلمداد کرد به او بگید که شما دختری نیستید که اهل روابط پنهانی باشید. با این کار تکلیفتون کاملاً مشخص خواهد شد. اگر او به فکر آینده باشه کار شما رو اشتباه قلمداد نمی کنه. ممکنه از بابت اینکه شرایط مناسبی نداره نگران بشه و اعلام کنه که نمی تونه با خانواده شما آشنا بشه ولی قاعدهاً شرایط شما رو هم درک میکنه. در این بین شما می تونید به او بگید که خانواده شما اخلاق و رفتار برashون مهمتر است تا شرایط مالی و ممکنه بشه راه حل مناسبی پیدا کرد؛ اما اگر او از اینکه روابط شما علني شود بهشدت اجتناب کرد خب شما نیز باید در همین مرحله رابطه خود را قطع نمایید. تأکید می کنم باید این رابطه را قطع نمایید.

تنها یک استثنای وجود دارد: در این چنین مواردی ممکنه شخص اعلام کنه که فعلاً آمادگی نداره و درخواست کنه این رابطه تا زمانی که شرایط او مهیا بشه ادامه داشته باشه. در این زمان باید از او بخواین که برنامه خودش رو برای شما بازگو کنه و اعلام کنه که چه زمانی آمادگی پیدا می کنه. اگر واقعاً دیدید برنامه ای برای آینده خود داره ولی مشکلی سر راهش هست مثلاً این ترم درسشن تمام میشه یا سربازیش را باید تمام کنه، میتوانید به او بگید که حداقل باید با خانواده شما آشنا بشه و اگر پدر و مادر شما او را تائید کنن شما براش صبر خواهید میکیند و رابطه خودتون رو در حد بسیار محدود حفظ خواهید میکیند. دوستای گلم ممکنه به نظرتون بیاد که هیچ پسری اینو قبول نمی کنه و دوست نداره که در رابطه خودش محدودیت داشته باشه و خانواده شخص مقابل اونو کنترل کنن. ولی باور کنید اگر باکسی که شرایط ازدواج نداره غیرازاین برخورد کنید نتیجه نمی گیرید. کاری که به اشتباه بسیاری از دختران ما می کنند اینه که به رابطشون با پسر ادامه میدن به امید اینکه شرایطش جور میشه و این زمان ممکنه آنقدر طولانی

بشه که سایر شرایط و موقعیت‌ها رو از دست بدن. ضمن اینکه در این مدت به او وابستگی هم پیدا می‌کنن و در آخر بعدازاینکه باهش به نتیجه نمی‌رسن سرخورده اون رابطه رو ترک می‌کنن. اگر شخص واقعاً قصدی داره اما شرایطش رو نداره قطعاً مسئولیت این کار رو می‌پذیره و تلاش خودش رو برای مهیاکردن شرایط انجام میده نه اینکه به یه رابطه پنهانی ادامه بده تا در آینده ببینه چه اتفاقی میفته. شما نباید زمان خودتون رو بدون داشتن امیدی هدر بدید. تنها زمانی منتظر چنین شخصی بمونید که حاضر بشه با خانواده شما آشنا بشه. در این صورت مشخصه که این شخص برنامه‌ای برای آیندش با شما داره. در غیر این صورت اگه برنامه‌ای نداشته باشه و هدفش دوستی باشه حتی اگه بهتون قول ازدواج هم داده باشه حاضر نمیشه با خانواده شما آشنا بشه.

#### حالت چهارم:

زمانی که نتونستید متوجه بشید که هدف شخص دوستی هست یا ازدواج:

در این حالت هم بعد از جلسه سوم یا چهارم (و یا هر جلسه‌ای که خودتون میدونید به شناخت خوبی ازش رسیدید. پیشنهاد من جلسه چهارم هست) به او اعلام کنید درباره این رابطه با مادر یا خواهرتون صحبت کردید و عکس‌العمل شخص رو ببینند. در این مرحله به راحتی میتوانید انگیزه شخص رو متوجه بشید و در صورتی که هدفی نداشته باشه میتوانید در همین ابتدای کار از ادامه رابطه خودداری کنید و خودتون رو گرفتار یه رابطه بیهوده که نتیجه‌ای نداره نکنید. سعی کنید در این ۴ جلسه هم به‌اندازه کافی از خودتون به شخص مقابله اطلاعات داده باشید به حدی که اون هم تونسته باشه تا حدودی کلیات شما را به‌خوبی شناخته باشه و اگه قصد ادامه این راه رو داشت با شناخت بهتر و مطمئن‌تری تصمیم بگیره. درواقع هدف ما از این کار این هست که از روابط بیهوده اجتناب کنیم، نه اینکه شخص رو وادار به کاری کنیم. شما اطلاعات کافی رو به اون می‌دید و اطلاعاتی که برای تصمیم گیری لازم دارید رو از او می‌گیرید و سپس بحث اینکه خانواده رو در جریان گذاشتید مطرح می‌کنید.

#### حالت پنجم:

زمانی که احتمال زیادی می‌دید که شخص هدفی از این ارتباط داره:

در این حالت هم دوستان باید به او بگید که با مادرتون دراین‌باره صحبت کردید. این شخص قاعده‌تاً نباید عکس‌العمل بدی نسبت به عملکرد شما داشته باشه چون قصد آخر او همین است. فقط ممکنه که به شما اعلام کنه که قصد داره بیشتر شما رو بشناسه. چون بعضی از پسرها فکر میکنن که اگر با خانواده شما آشنا شدن دیگه مجبورن تا اخوش بیان جلو و راه برگشت ندارن در نتیجه دوست دارن اول خودشون نسبت به اینکه شما برashون گزینه مناسبی هستید مطمئن بشن. در این حالت میتوانید بهش بگید که شما هم قصد دارید اونو بیشتر بشناسید ولی ابتدا باید مطمئن بشید که خانوادتون از نظر ظاهری شما رو تائید می‌کنن. چون اگر دختری برای ازدواج با مخالفت خانوادش روبرو بشه هرچقدر که مطمئن باشه اون شخص مناسبه و وقت زیادی رو برای شناخت طرف مقابلش صرف کرده باشه بازم به بن‌بست میخوره و کارش بسیار سخت میشه. پس بهتره اول یه تأییدیه از مادرتون که میتوانه مشاور بسیار خوبی برای شما باشه این رابطه رو ادامه بدید تا به اميد خدا به سرانجام خوبی از این رابطه بررسید. برای اینکه ترس چنین پسرهایی هم از بین بره میتوانید بهش بگید که یه قرار ملاقات ساده در یک رستوران با مادرتون داشته باشه. اینجوری پسر هم نسبت به اینکه مجبوره تا اخر راه رو بیاد و توی رودرواسی یا هر چیز دیگه ای

قرار بگیره ترسش کمتر میشه. اگه پسر حاضر بشه واقعاً دیداری رو با مادر شما داشته باشه خب قاعدها قصدش شناخت هست.

نکات مهمی که لازمه مجدداً بهتون یادآوری کنم:

۱- عزیزانم در این مراحل شک نکنید. اصلاً نگران این نباشید که ممکنه اون شخص نظرش نسبت به شما عوض بشه و بذاره بره. اینو به خاطر داشته باشید کسی که شما رو بخواهد هیچ چیز نمیتونه منصرفش کنه و کسی هم که نخواهد ازدواج کنه با هیچ ترفند و رابطه و تعهدی نمیشه پاگیرش کرد. پس اول از همه به خودتون و عزت نفستون متعهد باشید و سر حرف خودتون بمونید. کسی که لیاقت شما رو داشته باشه باید این جرات رو داشته باشه که برای بدست آوردن شما تلاش کنه. کسی که چیزی رو به سختی بدست نیاره به آسونی هم از دستش میده. پس کاری کنید که آقا پسرای گل به ارزش واقعی شما پی ببرن. بسیاری از دختران عزیزمنون فکر می‌کنن که با نزدیک شدن هرچه بیشتر و برآورده ساختن هرچه بیشتر نیازهای یک مرد میتوونن به او برسن، اما درواقع کاملاً عکس این تصویر صادقه و تنها راهی که برای واداشتن مردان به ازدواج وجود داره بیش از حد نزدیک نشدن و تن به خواسته‌های آنها ندادن. باید بدونید که در بسیاری از موارد ازدواج برای زنان اهمیت بیشتری نسبت به مردان داره و درواقع میزان اهمیتی که مردان به ازدواج میدن بهمراه کمتر از زنان هست. ازدواج برای بسیاری از مردان حکم قیدوبند رو داره و کاهش آزادی. زمانی مردی حاضر می‌شه این قیدوبند را بپذیره که به ازای آن نیازهای حیاتی دیگر او برآورده بشه. حال اگه نیازهای حیاتی او برآورده بشه بدون اینکه نیاز به محدود کردن خود داشته باشه چرا باید خود را در قیدوبند بندازه؟ پس تنها راه برای اینکه قیدوبند ازدواج برای مردان آسان بشه احساسی است که به برآورده کردن نیازهای اساسی خوددارن مانند غریزه جنسی که برایشان بسیار مهمه یا سایر نیازها مانند محبت کردن و نیازهای عاطفی دیگری که دارن. پس اصلاً تصور نکنید که با در دسترس قرار گرفتن برای مردی می‌توانید اوно مقید به ازدواج کنید بلکه با این کار دقیقاً برخلاف خواسته خود عمل می‌کنید.

۲- دقت داشته باشید که مردان در این مراحل ممکنه از شما درخواست رابطه جنسی کن. شدیداً از این گونه ارتباطات اجتناب کنید. البته دقت داشته باشید که درسته که پیشنهاد رابطه دوستی از جانب مردان صورت می‌گیره اما سرمنشأ این پیشنهاد خود شما دختران عزیز هستید. درواقع مردان به خوبی می‌دونن که به چه دختری می‌تونن پیشنهاد رابطه جنسی بدن و به چه دختری نمی‌توونن این پیشنهاد رو بدن درواقع اینکه آنها به شما پیشنهاد رابطه‌ای را بدھند یا خیر، کاملاً به رفتار و گفتار شما برمی‌گرده. اگر مطابق دستورالعمل‌های این کتاب پیش برید هیچ پسری به خودش این اجازه رو نمی‌ده که در هیچ زمانی از این آشنایی بخود همچنین پیشنهادی به شما بده. دوستان گلم دقت کنید که پسران ممکنه برای راضی کردن شما بخوان از احساستون استفاده کنن. معمولاً پسرانی که دختری را برای آینده خود انتخاب می‌کنند خیلی کم پیش می‌بینند که بهش پیشنهاد رابطه جنسی بدن. ولی اگر چنین پیشنهادی بدن معمولاً سعی می‌کنند با کلماتی چون تو منو دوست نداری یا من فقط می‌خواه با تو باشم و یا اگه منو دوست داری بهم ثابت کن شما رو راضی کنن. در جواب چنین کسانی می‌توانید به راحتی بگید که اگه تو منو به خاطر پاکیم انتخاب کردی و به پاک بودن من ایمان‌داری و منو برای خودت می‌خواهی چرا من با ناپاکی خودم به تو ثابت کنم که دوستت دارم. تو می‌توانی با خودداری خودت مردونگیتوبه من ثابت کنی. پس تو چرا این کار رو بخاطر من نمی‌کنی؟

کاملاً منطقی پاسخ بدید و مطمئن باشید پسری که شما رو برای آیندش بخواهد حتماً مردونگیشو بهتون ثابت می‌کند.  
پس مواضع احساس قشنگتون باشید دوستای گلم

۳- کسانی که در مراحل آشنایی سعی می‌کنند به جای شناخت منطقی شما به سراغ جنبه‌های احساسی بزن و در همان ابتدا شما رو اسیر احساسات کنن معمولاً قصد دوستی دارن. سعی کنید در این مراحل اصلاً احساسی برخورد نکنید. پسری که در جلسه دوم برای شما هدیه می‌خره و حرفای رمانتیک می‌زنه قصد وابسته کردن شما رو داره پس خوب دقت کنید و کاملاً رسمی برخورد کنید تا اسیر احساسات کاذب نشید.

۴- کسی که از علني شدن رابطه‌تان هراس داره یا از آشنا شدن با خانواده شما طفره میره و هرروز برای ملاقات با خانواده شما بهانه‌ای می‌اره قصد داره شما را معلق در هوا نگه داره این شخص نمی‌گه که با خانواده شما آشنا نمی‌شه بلکه هرروز به بهانه‌ای از آن طفره میره. درصورتی که این روند به درازا کشید حتماً در تصمیم خود تجدیدنظر کنید و خود را معلق در هوا نگه ندارید.

۵- قبل از اینکه بخوايد باکسی آشنا بشید حتماً ابتدا خودتون رو بشناسید. لیستی از مواردی که در ازدواج برآتون مهمه تهیه کنید. ابتدا خودتون رو خوب بشناسید بعد به شناخت شخص مقابل بپردازید. این جوری کاملاً میدونید که چه چیزی می‌خوايد و باید چه جنبه‌هایی از شخص مقابل رو بیشتر بررسی کنید

۶- قرار نیست که با هرکس که آشنا شدید همان فرد موردنظر شما باشه و با او ازدواج کنید. پس درصورتی که می‌بینید با شما ساختی نداره در همان ابتدا رابطه رو تمام کنید و اصلاً نگران نباشید. فرد موردنظر شما نیز از راه خواهد رسید. پس تا آن زمان صبور باشید و عاقلانه رفتار کنید.

در انتهای اميدوارم این کتاب راهکاری باشه که بتونه به شما دوستای عزیز و خواهران گلم کمک کنه تا بتونید از احساس قشنگ خودتون حفاظت کنید و از مسیر درست برای تشکیل خانواده خارج نشید. در کتاب **چگونه همسر ایده آل خود را جذب کیم** سعی کرده ام به شما برای اینکه در مسیر ازدواج صحیح قرار بگیرید کمک کنم. مطمئن باشید با عملکرد صحیح و درست شما پسران سرزمهین ما نیز اصلاح می‌شوند و به اميد خدا شاهد افزایش کانون گرم خانواده‌های ایرانی خواهیم بود.